



۲۰۱۸/۰۹/۲۵

م. ولی پوپل

دُرِ درِی

این افتخار به کشور ایران نمی دهیم

ما گنج دل به قیمت ارزان نمی دهیم
این آبروی ما بُود آب بقای ما
بر تخت خود نشسته و از بخت خود خوریم
از آستان خویش بجوئیم علاج دل
از جویبار چشم، کنیم آبیاری جان
خود عیب و عجز خویش به یاران خبر دهیم
ما جوهرِ کانیم، و ما زیور بیان
دُرِ درِی زبانییم و لفظی ز مغز کان

سرمایه را به منزل ویران نمی دهیم
آب بقا به چشمه حیوان نمی دهیم
وین سلطنت به سلطه سلطان نمی دهیم
دل را به جور و ناز طیبیان نمی دهیم
این شست و شو به ابر بهاران نمی دهیم
نوبت به نکته گیری آنان نمی دهیم
این جوهر دکان به نادان نمی دهیم
این دُرِ جان به آدم نادان نمی دهیم

گهواره زبان "ولی" زادبوم ماست

این افتخار به کشور ایران نمی دهیم



این شعر در تتبع غزل ناب "صائب تبریزی" سروده شده که مطلع آن این است:

ما کنج دل به روضه رضوان نمی دهیم

این گوشه را به ملک سلیمان نمی دهیم

"صائب" گهر به سنگ زدن بی بصیرت
عرض سخن به مردم نادان نمی دهیم

** * **

ز یمن ملک خراسان ز فیض بلخ و هری
بخوان که لعل و گهر می بری ز دُر دری



با درود و مهر به همه خوبان و سروران گران ارج!

